



منبع: KHAMENE'I.R

راهبردهای رهبر معظم انقلاب برای «تولید معرفت» در کشور

# پایان یک دودستگی

تولید علم در ایران با چه موانعی روبه‌رو است؟

سپاسش نادری فارسانی  
 رئیس انجمن علمی گفتمان اسلامی سوئد

موضوع رشد و تعالی کشور، ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در برخی عرصه‌ها و تلاش جهت مرتفع نمودن مسائل و مشکلات کشور، مهم‌ترین دغدغه صاحب‌نظران و مدیران کشور در سده گذشته بوده است. در واقع از منظر تاریخ فکر، پرسش‌های یکسان بوده‌ولی پاسخ‌های معرفتی و رویکردهای سیاسی، روش‌های مدیریتی و اجرایی متفاوت بوده است و این تفاوت‌ها عمدتاً ریشه در ماهیت جهان‌بینی (های) مورد نظر و نوع برداشت‌های معطوف به آنها داشته است. در واقع، نقطه اشتراک همه صاحب‌نظران در این عرصه، لزوم توجه به زیرساخت‌ها و بنیان‌های معرفتی و گسترش دانش و آگاهی بوده است. با این حال، جهت تحقق این موضوع مهم یعنی رشد و تعالی کشور در عرصه‌های مختلف، سه نگاه از منظر تاریخ فکر قابل رصد است و مادامی که حاکمیت و صاحب‌نظران در این عرصه به نتیجه نرسند، بیشتر تلاش‌ها در مسیر رشد و اعتلای کشور ناکام شده یا نیروهای مختلف یکدیگر را خنثی خواهند کرد.

■ رویکردتجددگرایان

در نگاه نخست، پیش‌فرض آن است که «تاریخ معرفت» دلالت بر مسیری دارد که عبور از آن اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین به جای اتلاف وقت و نیروهای فکری و مادی جهت پیمودن این مسیر، باید جایگاه خود را در تاریخ فکر و تحولات اجتماعی رصد نماییم و خود را با آخرین دستاوردهای بشری و الگوهای موفق دیگر کشورها منطبق‌نماییم. محصول این نگاه «رویکرد تجددگرایان» است که رشد و پیشرفت کشور را در همسویی حداکثری با الگوهای عمدتاً غربی تعریف می‌کنند.

تجربه نظری و عملی پیروی از این رویکرد در کشور با نقدهای جدی همراه بوده است. نقد عمده مخالفان این رویکرد آن است که نتیجه‌ی‌گیری این رویکرد کپی‌برداری برخی مصادیق عینی فرهنگ غرب بدون توجه به زیرساخت‌های ذهنی، معرفتی و فرهنگی آنها بوده است. برای مثال در روش زیست، پوشش، حکمرانی، توسعه زیرساخت‌ها همچون جاده‌سازی، حمل و نقل، مراکز آموزشی و دیگر موارد از غرب کپی‌برداری شد ولی در رمزگشایی از روش فکر و اندیشه غرب و توسعه آن ناکام بود.

عدم توجه به توانمندی‌های فرهنگی و سنتی کشور و حرکت مقابل نیروی عظیم معرفتی و فرهنگی کشور از دیگر نقدهای وارد به این رویکرد بوده است. این رویکرد

به‌طور عمده در دوران پهلوی اول و دوم مسلط بود ولی حتی بعد از انقلاب‌اسلامی از جانب برخی صاحب‌نظران مورد حمایت قرار گرفت و حتی برخی از سیاست‌های دولت‌ها بدون توجه به شعارهای آنها و صرفاً از نظر چگونگی کاربست شاخص‌های سیاست‌گذاری و مدیریت کشور در همین راستا قابل بررسی است.

■ رویکردسنت‌گرایان افراطی

در نگاه دوم که به جد از جانب برخی صاحب‌نظران در یکصد سال گذشته مطرح بوده است، پیش‌فرض آن است که رشد و اعتلای کشور و مرتفع نمودن علل عقب‌ماندگی کشور در برخی عرصه‌ها، در گرو بازگشت به فرهنگ و سنت خود و طرد فرهنگ و دستاوردهای غرب در همه ابعاد است. در واقع، این نگاه، فرهنگ و سنت کشور را عمدتاً در «فرهنگ و سنت دینی، اسلامی و شیعی» خلاصه می‌کند مصادیق افرادی که فی‌المثل استخراج معارف مرتبط با علوم پزشکی، کشاورزی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و فناوری را از قرآن و حدیث و سنت دینی ممکن می‌دانستند، در تاریخ فکر کشور فراوان است.

نقد این دیدگاه از سوی مخالفان بر این نکته تأکید دارد که اساساً این رویکرد خاص سده‌های گذشته و عصر ما قبل دولت‌ها و جوامع مدرن است. دوم اینکه، اتخاذ این رویکرد نه تنها پاسخگوی مسائل و مشکلات کشور نیست بلکه خود بخشی از مشکل تلقی می‌شود؛ چرا که دلالت بر کاستی‌های ذیل دارد؛ نخست اینکه جامعه و کشور را از برخورداری از منابع معرفتی به‌دلیل یک رویکرد تقلیل‌گرایانه شناختی محروم می‌کند. به‌عنوان مثال در طیف رادیکال این رویکرد، عنصر «تجربه» مقابل «وحی» قلمداد می‌شود.

دوم اینکه نافی ماهیت متکثر فرهنگ و تنوع عناصر و اجزای سازنده آن درک بس‌تاریخی است. به عبارتی از درک این واقعیت عاجز است که فرهنگ کشور از جمله افراد آن همچون یک فرش دستباف، هزار نقش و رنگ دارند. بنابراین پیوسته در پی پررنگ کردن یک رنگ و یک نقش هستند که نتیجه آن در خوشبینانه‌ترین وضعیت، تهی کردن فرهنگ از ماهیت خود و بی‌هویتی افراد است.

سوم اینکه امکان بهره‌مندی از توانمندی‌ها و خلاقیت‌های همه افراد جامعه با گرایش‌ها و سلاقی فکری و سیاسی و عقیدتی مختلف سلب می‌شود و پیوسته خط‌خودی و غیرخودی پررنگ‌تر



■ طرح ایده‌هایی همچون «مهندسی فرهنگی»، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، «نقشه علمی کشور» و «علوم انسانی اسلامی» پیش‌زمینه ورود رهبر معظم انقلاب به موضوع تمدن اسلامی است. یکی از اهداف مهم طرح این ایده‌های پیوسته و منسجم، جهت‌دهی نیروهای فکری کشور در مسیر «رشد فرهنگ معرفت‌گرایان» در کشور است.

■ بررسی دیدگاه‌ها و منویات رهبری در زمینه تولید علم و حرکت کشور در مسیر رشد و اعتلای همه‌جانبه‌نشان ازآزاده معظم له در نهادهینه‌سازی و فرهنگ‌سازی «روش تولید معرفت در کشور» دارد.

■ مقام معظم رهبری از یک سو فعال‌سازی ظرفیت‌های مادی، شناختی و معنوی فرهنگ اسلامی و تقویت و استفاده مؤثر از ظرفیت‌های فرهنگی کشور را به‌عنوان نقطه عزیمت فرهنگ دانش‌اندوزی و معرفت‌گرایان در همه امور معرفی می‌کند و از دیگر سو و هم‌زمان، تعامل و تبادل علمی با جهان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

■ امنیت ملی فقط زمانی در خطر نیست که افراد جامعه در خیابان‌ها روبه‌روی هم سنگ‌سازی کنند. عمق تهدید و خطر، شکافی است که به لحاظ شناختی و از طریق مفاهیم جعلی بین‌نخبگان و کارشناسان یک جامعه پدید آید و پیوسته «دیگری‌سازی» شود.

■ یکی از موانع تولید علم در کشور طرد و منزوی‌سازی برخی نیروهای فکری کشور، پررنگ نمودن مرزهای خودی و غیرخودی، هدایت سلاقی و گرایش‌های فکری دکرانديش به اردوگاه مخالفان نظام است. این مشکل بویژه در بحث‌گزينش استادان، به کارگیری و استخدام صاحب‌نظران و کارشناسان در عرصه‌های مختلف در چند دهه گذشته مشهود است.

■ امنیت ملی مفهوم که به‌عنوان مثال وحی، عقل، فطرت، حس و تجربه معرف مبانی شناخت‌شناسی این رویکرد هستند.

۲ شناخت و اکتساب معرفت در پرتو هدایت الهی حاصل می‌شود و به‌واسطه هدایت تکوینی و تشریحی هر کدام از ابزارهای شناختی در نسبتی هماهنگ با هم دارای اصالت است.

۳ شناخت ابزارهای شناختی دیگر جهان‌بینی‌ها و درک صحیح میزان هماهنگی یا ناهماهنگی تولیدات آنها با ابزارهای شناختی جهان‌بینی مطلوب با هدف بهره‌مندی از دستاوردهای بشری اجتماع‌ناپذیر است.

۴ در این رویکرد توجه به اصل مکتب‌وارگی، منظومه فکری، شرایط و زمینه‌های اجتماعی و تاریخی در ارتباط با چگونگی شکل‌گیری و طرح دیدگاه‌های معرفتی در دیگر جوامع، توجه به رشد و تغییر مفاهیم در تاریخ فکر و تلاش برای رمزگشایی مفاهیم، از اهمیت فراوانی برخوردار است.
۵ یک اثر خاص از یک مؤلف (فی‌المثل کارل مارکس) آن هم متأثر از تعلقات سیاسی مترجم اثر نیست، بلکه هدف اصلی شناخت یک فکر، جهان‌بینی حاکم بر آن، شرایط و زمینه‌های اجتماعی بروز آن و فهم دقیق نسبت آن با جهان‌بینی انقلاب‌اسلامی و ایجاد تعامل سازنده با دستاوردهای بشری است.
۶ دیگر دلالت روش شناختی رویکرد سوم آن است که در کنار دیگر مراکز آموزشی و پژوهشی کشور، همچنین مراکزی تأسیس و فعال شوند تا هر کدام به شکل منظومه‌وار و تخصصی به

http://irannewspaper.ir  
 editorial@irannewspaper.ir

خیابان‌ها روبه‌روی هم سنگ‌سازی کنند. عمق تهدید و خطر، شکافی است که به لحاظ شناختی و از طریق مفاهیم جعلی بین‌نخبگان و کارشناسان یک جامعه پدید آید و پیوسته «دیگری‌سازی» شود. اجرای نادرست رویکرد سوم و عدم اراده جدی جهت مهار رویکردهای اول و دوم هر روز باعث عمق یافتن این شکاف می‌شود.

■ راهبردهای رهبر معظم انقلاب برای تولید معرفت در کشور

بررسی دیدگاه‌ها و منویات رهبری در زمینه تولید علم و حرکت کشور در مسیر رشد و اعتلای همه‌جانبه‌نشان از اراده معظم له در نهادهینه‌سازی و فرهنگ‌سازی «روش تولید معرفت در کشور» دارد. بررسی دقیق این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که معظم له از یک سو فعال‌سازی ظرفیت‌های مادی، شناختی و معنوی فرهنگ اسلامی و تقویت و استفاده مؤثر از ظرفیت‌های فرهنگی کشور را به‌عنوان نقطه عزیمت فرهنگ دانش‌اندوزی و معرفت‌گرایی در همه امور معرفی می‌کند و از دیگر سو و هم‌زمان، تعامل و تبادل علمی با جهان را مورد تأکید قرار می‌دهد. طرح و حمایت از ایده‌هایی همچون مهندسی فرهنگی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه علمی کشور و علوم‌انسانی اسلامی، پیش‌زمینه ورود معظم له به موضوع تمدن اسلامی است. به عبارتی یکی از اهداف مهم طرح این ایده‌های پیوسته و منسجم، جهت‌دهی نیروهای فکری کشور در مسیر رشد و تعالی کشور بوده است. علاوه بر این، درگیر کردن نیروهای فکری در قالب ایده‌های فوق به شکل راهبردی، گرایش‌ها روش شناختی کشور را به سمت رویکرد سوم و پرهیز از افراط و تفریط در قالب دو رویکرد اول و دوم تسهیل نمود.

نتیجه آنکه آن طیفی که نافی کلیت غرب و دستاوردهای آن بود و نیز آن طیفی که در پی پذیرش بی‌چون و چرای معارف غربی بودند به‌طور معناداری در نگاه‌های خود تجدید نظر کردند، لذا فرهنگ مطالعات تطبیقی و حتی غرب‌شناسی به‌عنوان یک محور مطالعاتی در مراکز دانشگاهی و حوزوی فعال شد. به عبارتی کمتر پژوهشی در کشور انجام می‌شود که توجهی به منابع لاتین و غیربومی نداشته باشد. با این حال، آسیب‌شناسی نحوه تأمل و بهره‌مندی برخی مراکز پژوهی و دانشگاهی از منابع غیربومی در واقعیت‌هایی دارد که خلاف منویات معظم له است.

نخست‌اینکه، «نگاه و تفکر انتقادی» در روند تولید معرفت در برخی مراکز حوزوی و دانشگاهی ضعیف است. دوم اینکه، در برخی موارد بهره‌مندی از منابع غیربومی بیشتر با هدف تقویت و اعتباربخشی به یک نگاه خاص سیاسی و عقیدتی انجام می‌شود و معارف، مفاهیم و آموزه‌های مورد نظر در غرب نیست. سوم اینکه، کمتر مرکز پژوهشی در کشور اقدام به استخراج و تبیین مفاهیم و نظریه‌های تولید شده در غرب به شکل منظومه‌وار و با توجه به زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری آن آموزه‌ها در بستر تاریخ فکر دارد. چهارم اینکه، امکان فعال‌سازی مؤثر نیروهای فکری غیرسیاسی و غیرعقیدتی که صرفاً بدون دغدغه‌های حزبی و جناحی و عقیدتی در پی تولید تخصصی دانش و رمزگشایی از آموزه‌های شناختی غیربومی باشند، مطلوب نبوده است.

نتیجه آن است که برخی از صاحب‌نظران بیشتر در نقش فعالان سیاسی یا عقیدتی و تبلیغاتی ظاهر شوند تا در جایگاه پژوهشی و علمی. علاوه بر این، منزوی شدن، خانه‌نشینی یا کوچ خودخواسته یا اجباری برخی کارشناسان که صرفاً دغدغه‌های شناختی و پژوهشی دارند، خود مشکلی دیگر است.

متنقدم راهکار برون‌رفت از مشکلات پیش‌روی رویکرد سوم، رمزگشایی «منظومه‌وار» و «مکتب‌وار» از آموزه‌ها و معارف غیربومی است. این طرح را

سال‌ها پیش در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی که در ارتباط با «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» برگزار شد، خدمت رهبر معظم انقلاب مطرح کردم که محصول مباحث آن نشست در اولین کتاب اندیشه‌های راهبردی منتشر شد. در آنجا بحثی را تحت عنوان «بایدهای روش شناختی» ارائه دادم که شامل چند مرحله به هم پیوسته در مسیر تولید دانش مفاهیمی همچون اومانسیم، پلورالیسم، سکولاریسم و نسبی‌گرایی سیاسی و حزبی دین‌داری و خدا و وحی تعریف و ترویج شد. این خطوط قرمز به قدری پررنگ شد که هر پژوهشگری که به واسطه مطالعه و شناخت عمیق کارهای مختلف در این حوزه می‌گردد در اردوگاه مخالفان دین قرار می‌گرفت که البته در میان مدت نتیجه‌ای جز مخدوش کردن اتحاد، انسجام و امنیت ملی به همراه نداشت. امنیت ملی فقط زمانی در خطر نیست که افراد جامعه در